

حسن شفیعی*

محسن صبری**

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۱۱

چکیده

مجموعه تحولات داخلی ایران و ترکیه بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در همین سال‌ها، سبب گردیده است روابط دو کشور از نقطه منفی (تنش در روابط) عبور و به سطح نقطه مثبت (اعتماد دوجانبه) ارتقا یابد. با آغاز موج تحولات جهان عرب و با توجه به پی‌گیری منافع ناشی از تحولات توسط ایران و ترکیه، روابط دو کشور بسیار تحت تاثیر قرار گرفت. علاوه بر تحولات اخیر جهان عرب، عوامل دیگری نیز آینده روابط دو کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بر این اساس پرسش اصلی مقاله حاضر آن است، عوامل مهم تاثیرگذار در آینده روابط ایران و ترکیه چیست و این عوامل چه تاثیری بر آینده روابط دو کشور خواهد گذاشت؟ نتیجه کلی این بررسی آن است که عواملی مانند ارایه الگویی خاص از اسلام، تحولات اخیر جهان عرب و به‌ویژه تحولات سوریه، مساله فلسطین و روابط ترکیه با اسرائیل، استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه، مسایل هسته‌ای ایران و تبلیغات غرب و سیاست خارجی چندوجهی ترکیه، می‌تواند موجب بازتعریف سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال هم شده و به همین علت در بلندمدت - بدون در نظر گرفتن تحولات آتی زیرسیستم منطقه‌ای خاورمیانه - روابط ایران و ترکیه را با چالش مواجه می‌سازند.

کلیدواژه‌ها: ایران، ترکیه، تحولات جهان عرب، سپر دفاع موشکی ناتو، مساله فلسطین، سیاست خارجی چند وجهی

* استادیار عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج

** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، صص ۹۴ - ۶۷.

مقدمه

روابط ایران و ترکیه مبتنی بر گذشته تاریخی است و اشتراک منافع زیادی میان این دو کشور در مسایل مختلف وجود دارد. در واقع این روابط همیشه به دشمنان ضروری و دوستان طبیعی معروف بوده است، ضمن آنکه هر دو کشور از موقعیت خاص ژئواستراتژیک در منطقه برخوردارند. نگاهی به تاریخ ایران و ترکیه نشان می‌دهد که بسیاری از تحولات دو کشور مصادف با یکدیگر و گاه تاثیرگذار بر یکدیگر بوده است. حس رقابت و برتری نسبت به رقیب بخش قابل توجهی از حافظه تاریخی روابط دو کشور را پوشش می‌دهد که بی‌تردید می‌توان ادعان داشت این حس هم‌چنان بخش قابل توجهی از راهبردهای دو دولت را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ظهور حزب عدالت و توسعه بارقه‌امیدی از گسترش روابط میان دو کشور را به‌وجود آورد که طی سال‌های اخیر جامه عمل نیز پوشید، اما آیا این روابط به همین منوال رو به گسترش خواهد بود؟ این سؤالی است که نگارندگان با دیدی انتقادی درصدد واکاوی آن هستند.

اعلام موافقت پیش از موعد ترکیه با استقرار سپر دفاع موشکی، برخی از رویکردهای منطقه‌ای ترکیه طی ماه‌های گذشته و پس از وقوع تحولات در برخی از کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا، برداشت و رایه‌الگوی منحصر به فرد از اسلام در دو کشور، سیاست خارجی چندوجهی ترکیه، برنامه هسته‌ای ایران و تبلیغات غرب و مساله فلسطین و روابط ترکیه با اسرائیل، اگر به درستی مدیریت نشود و سیاست‌های سنجیده از سوی نخبگان سیاسی ایران و ترکیه طرح‌ریزی نگردد، بی‌شک نگاه دو کشور نسبت به یکدیگر را در آینده تغییر خواهد داد.

بر این اساس در این نوشتار به بررسی عوامل مهم تاثیرگذار که می‌تواند آینده روابط ایران و ترکیه را دست‌خوش تحول نماید، می‌پردازیم. سؤال اصلی این است که، عوامل مهم تاثیرگذار در آینده روابط ایران و ترکیه چیست و این عوامل چه تاثیری بر آینده روابط دو کشور خواهد گذاشت؟ بر اساس سؤال طرح شده، ما چندین متغیر مستقل داریم که بر متغیر وابسته ما یعنی آینده روابط ایران و ترکیه تاثیر می‌گذارد. متغیرهای مستقل ما در این مقاله که ذیل عنوان کلی عوامل تاثیرگذار طرح شده عبارت است از: سیاست خارجی چندوجهی ترکیه، برداشت‌های مختلف از اسلام، تحولات اخیر جهان عرب و به‌ویژه سوریه، مساله فلسطین و اسرائیل، مساله

هسته‌ای ایران و تبلیغات غرب و استقرار سپر دفاع موشکی در خاک ترکیه. در پاسخ به این پرسش چنین فرض می‌شود که عوامل تاثیرگذار ذکر شده به‌عنوان متغیر مستقل، موجب بازتعریف سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال هم شده و به همین علت در بلندمدت بدون درنظر گرفتن تحولات آتی زیرسیستم منطقه‌ای خاورمیانه-روابط ایران و ترکیه را با چالش مواجه می‌سازند. علاوه بر متغیر مستقل و وابسته ذکر شده، تحولات آتی خاورمیانه به‌عنوان متغیر کنترل‌کننده (به این معنا که شدت و ضعف تاثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تحولاتی که در زیرسیستم منطقه‌ای خاورمیانه روی خواهد داد تعیین می‌کند) در این مطالعه محسوب می‌شود.

۱. تحولات جهان عرب

هم‌زمانی چهار تحول مهم رسانه‌های دیجیتالی، بحران اقتصادی، بیداری اسلامی و انسداد سیاسی، بحران مشروعیت و مقبولیت حکومت‌ها در خاورمیانه اسباب آغار شگفت‌انگیز دومینوی سرنگونی دیکتاتوری‌ها و ایجاد شرایط جدید سیاسی در خاورمیانه شده است. هر پنج کشور تونس، مصر، لیبی، یمن و سوریه دارای حکومت‌های بسته و امنیتی - نظامی بوده‌اند و سال‌ها به‌وسیله نیروهای نظامی اداره شده‌اند. در حوزه حاکمیت، مناسبات ناعادلانه اقتصادی هر پنج کشور مشابه، اما در حوزه سیاست خارجی تفاوت محسوس داشته‌اند. تونس، یمن و مصر جزو اقمار بلوک غرب به سرکردگی آمریکا و از مخالفان محور مقاومت به رهبری ایران و سوریه بودند، در حالی که لیبی در سال‌های اخیر گرایش به رهبری آفریقا را در پیش گرفت و از مخالفان محوری حکومت‌های محافظه‌کار عرب به رهبری مشترک عربستان و مصر بود. از شاخصه‌های اصلی سیاست خارجی قذافی می‌توان به نگاه به جانب غرب هم‌زمان با حفظ روابط گسترده با روسیه و چین و مخالفت با رژیم تل‌آویو و دوستی نسبی با جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. سوریه شریک اصلی ایران در جبهه مقاومت علیه سلطه آمریکا و صهیونیسم در منطقه است. در حالی که در مراحل اولیه قیام در تونس، مصر و یمن مردم نقش اصلی را ایفا می‌کردند، در ماجرای لیبی و سوریه مساله پیچیده‌تر است.^۱ تحولات منطقه عربی به سمت و سویی رفت که

تحولاتی شگرف در آن روی داد و امید به ادامه این روند در برخی دیگر از کشورهای منطقه هم‌چنان وجود دارد. با تحولات جهان عرب، معادلات سیاسی و راهبردی منطقه تغییر کرده و معادله‌ای جدید شکل گرفته است و بستر ساز معادلات جدیدی نیز می‌باشد که بازیگران قدرتمند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در پی ایفای نقش مؤثر در آن هستند. در این میان نقش کشورهای مختلف دنیا برای بهره‌برداری از وضعیت فعلی برای حفظ منافعشان نیز پررنگ است. در میان بازیگران منطقه‌ای دو کشور ایران و ترکیه نقشی کلیدی دارند.

تصویر ترکیه در جهان عرب در طول قرن بیستم، یک تصویر منفی بوده است. این تصویر طی چند سال گذشته بسیار تغییر کرده است و این فکر مثبت به‌عنوان یک مدل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نمود یافته است. بهبود تصویر ترکیه در جهان عرب در طول دهه گذشته مبتنی بر دلایل زیر است:

- ظهور حزب عدالت و توسعه که خوی سکولاریسم ضد اسلامی و غرب‌گرایی ضد عربی کمالیست‌های ترکیه را تعدیل و ارتباط ترکیه با منطقه و مسلمانان را بازسازی کرد؛
- «صفر کردن مشکلات» در سیاست خارجی منطقه‌ای که ورود ترکیه به جهان اسلام و عرب را باز کرد و به دنبال آن حل و فصل کردن مشکلات با آنها و از جمله همسایگان؛
- موفقیت ظاهری ترکیه از تجربه دموکراتیک در منطقه‌ای اقتدارگرا و مدل اقتصادی با بهره‌وری بالای ترکیه و رشد صادرات در منطقه‌ای که در آن اقتصاد رانتی غالب است؛
- موفقیت ظاهری ترکیه در برقراری تعادل میان مذهب، سکولاریسم و آزادی مردم در منطقه‌ای که در آن یک فرمول همزیستی متوازن میان مذهب و سیاست یافت نمی‌شود؛
- رشد آشنایی با فرهنگ و جامعه ترکی از طریق سریال‌های آبکی^(۱) تلویزیونی محبوب، صادرات محصولات و گردشگری به ترکیه؛
- موضع‌گیری ترکیه در برابر استفاده آمریکا از پایگاه‌های خود در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، سرزنش کردن اسرائیل توسط اردوغان در طول جنگ غزه از دسامبر ۲۰۰۸ تا ژانویه ۲۰۰۹؛ و

- موضع ترکیه بعد از حادثه ناوگان غزه در می ۲۰۱۰ علیه اسرائیل.^۲

تحولات صورت گرفته در منطقه و ورود ترکیه به عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه، جذابیت‌هایی برای کشورهای عربی دارد که بر رقابت‌ها در این منطقه می‌افزاید. در ابتدا ترکیه در برابر تحولات منطقه موضع حمایت از دولت‌های حاکم، به‌ویژه لیبی، را در پیش گرفت و علت اصلی آن هم منافع اقتصادی و سرمایه‌گذاری چشم‌گیر (در لیبی حدود ۳۰ میلیارد دلار) در این کشورها بوده است.^۳ سپس چشم‌انداز ترکیه بر اساس این ایده شکل گرفت که، حتی اگر بسیار دیر شده، اجتناب‌ناپذیر است که کشورهای منطقه به سوی دموکراسی پیش روند. در نتیجه، ترکیه به دنبال نشان دادن آن است که ملت‌های منطقه در نهایت اشتیاق به دموکراسی دارند.

ترکیه امیدوار است مدل حزب عدالت و توسعه در کشورهای گرفتار تحولات و برای دولت‌های جدید در این کشورها حاکم گردد. مدل الگویی ترکیه مبتنی بر دموکراسی، عقلانیت سیاسی، اعتدال اسلامی، کثرت‌گرایی سیاسی، حاکمیت قانون و سیاست خارجی مستقل که با قواعد، مقررات و هنجارهای مختلف بین‌المللی در تضاد نیست، می‌باشد. همچنین حمایت‌های بین‌المللی و به‌ویژه ایالات متحده از ترکیه باعث گردیده که ترکیه در سیاست‌های خود یک سوپاپ اطمینانی داشته باشد که این مساله ضریب اشتباهات را تا حد زیادی تقلیل می‌دهد. اما این موضوع تمام مساله نیست و یکی از مواردی که تحولات جهان عرب، سیاست خارجی ترکیه را با چالش مواجه می‌سازد این مهم است که طی سال‌های اخیر سیاست خارجی ترکیه همواره در تلاش بوده است که مشکلات خود را با همسایگان و سایر کشورها به صفر برساند و نگاه خاص به منطقه خاورمیانه را پی‌گیری نماید و تحولات اخیر جهان عرب می‌تواند بسیاری از این سیاست‌ها را به وضعیت سابق بازگرداند. این موضوع به‌ویژه در تحولات سوریه مشهودتر است. در حالی که پیش از تحولات سوریه، سران ترک روابط بسیار خوبی با سوریه را پی‌ریزی نمودند، پس از تحولات این کشور در تغییر موضعی ۱۸۰ درجه‌ای در نقطه مقابل دولت اسد و در کنار مخالفانش قرار گرفتند.

بدون تردید بحران در سوریه بیش از سایر کشورها، روابط دولت‌های ایران و ترکیه را نیز تحت تاثیر قرار داده است. هم اکنون در روابط ایران و ترکیه، تعامل در مورد سوریه و آینده بشار

اسد دارای بیشترین اهمیت است. ایران به هیچ عنوان حاضر نیست متحد راهبردی چون سوریه را در شرایط حساس فعلی منطقه از دست دهد، به همین علت میان ایران و ترکیه در خصوص تحولات سوریه فاصله نسبتاً عمیقی شکل گرفته است که می‌تواند روابط دو کشور را به مرز شکنندگی بیشتری سوق دهد.

جمهوری اسلامی در تحلیلی بنیادی، تحولات اخیر جهان عرب را ناشی از بیداری اسلامی می‌داند. مقامات جمهوری اسلامی ایران تحولات جهان عرب (به استثنای سوریه) را متأثر از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ می‌دانند. در حقیقت این انقلاب در نتیجه به‌عنوان مظهر بیداری اسلامی عرب دیده می‌شود.

روابط ایران با سوریه در دوره احمدی‌نژاد را نیز باید در ادامه سیاست‌های قبلی ایران در ارتباط با این کشور قلمداد کنیم. وجود منافع و تهدیدات مشترک در منطقه سبب ساز نزدیکی هرچه بیشتر دو کشور به یکدیگر شده است. افزایش نقش منطقه‌ای، حمایت از جنبش‌های اسلامی موافق همچون حزب الله لبنان، حضور و نفوذ در لبنان، رفع تهدیدات اسرائیل و آمریکا و مقابله با اتحادهای نظامی اسرائیل با کشورهای منطقه بخشی از این منافع مشترک دوجانبه است. بی‌شک ایران از نزدیکی ترکیه به سوریه استقبال می‌کند. در واقع موضع‌گیری ضداسرائیلی اردوغان و قطع روابط با این رژیم و روابط با سوریه، ایده‌آل‌ترین وضعیتی است که ایران می‌تواند در روابط سوریه و ترکیه انتظار داشته باشد تا از یک اتحاد سه‌گانه علیه اسرائیل استفاده نماید، اما این مساله تا حد زیادی دور از واقعیت بوده و تحولات اخیر سوریه به خوبی ایده‌آل بودن آن را نمایان ساخته است.

علاوه بر سوریه، تفاوت مواضع ترکیه و ایران نسبت به کشورهای خلیج فارس آشکارا در جریان ناآرامی‌های اخیر در بحرین نمود یافت. وقتی نیروهای عربستان وارد بحرین شدند، ایران این اقدام را مورد نکوهش قرار داد، در حالی که ترکیه معتقد به ایجاد آرامش در بحرین برای جلوگیری از سرریز شدن اختلافات گروهی در منطقه و دامن خوردن به اختلافات شیعه و سنی است. با افزایش بحران بحرین و بالا گرفتن اختلاف‌های عربی - ایرانی، اکنون بیش از پیش این سؤال مطرح می‌شود که آینده روابط ایران و جامعه عربی به کدام سمت کشیده خواهد شد؟

به‌خصوص اینکه در شورای همکاری خلیج فارس شاهد بیان اظهارات تندی علیه ایران هستیم. به‌طور کلی با بررسی واکنش‌های ترکیه به تحولاتی که در خاورمیانه در حال روی دادن است، مشخص می‌شود که انگیزه‌های متفاوتی در پس اقدامات حساب شده ترکیه در خصوص هر وضعیت وجود دارد. سیاست خارجی متناقض ترکیه در قبال تحولات اخیر خاورمیانه موجب شد که بعضی دچار شگفتی شوند که سیاست خارجی ترکیه واقعاً چیست. سیاست به‌صفر رساندن مشکلات با همسایگان تا حد زیادی نامشخص و ناملموس است و چیزی است که با توجه به موقعیت تغییر می‌کند.^۴ در مرحله کنونی تحولات خاورمیانه، ارزیابی از کیفیت عملکرد دستگاه سیاست خارجی ایران و ترکیه تمامی نتایج محتمل را نشان نداده و قضاوت در خصوص موفقیت بیشتر کدام کشور، نیازمند زمانی بیشتر است تا ابهامات و سؤالات مورد نظر پاسخ داده شود. اما آنچه واضح است، تاثیر این تحولات بر روابط ایران و ترکیه است که شواهد حاضر نشان از تاثیر منفی بر این روابط دارد.

۲. ارایه الگویی متفاوت از اسلام از سوی دو کشور

دین اسلام با سابقه طولانی حضور در ایران و ترکیه می‌تواند همواره به‌عنوان کاتالیزوری برای روابط مستحکم‌تر و پایدارتر دو کشور عمل کند. این واضح است که ایران صفوی و امپراتوری عثمانی سال‌های متمادی درگیر جنگ‌های مذهبی بوده‌اند، ولی واقعیت تلخ این است که بسیاری از جنگ‌ها نه به دلیل مذهب متفاوت، بلکه به دلایل دیگر از جمله توطئه قدرت‌های استعماری صورت گرفته بود. در همان دوران بسیاری از روحانیون و روشنفکران دینی ایرانی و عثمانی، دو کشور را به خویش‌داری مذهبی در مقابل دین یکسان دعوت کرده‌اند. به واقع دین اسلام در بسیاری از زمان‌ها مانع از برخورد دو کشور هم شده است. با وجود این، حافظه تاریخی، برخورد میان صفویان و عثمانی‌ها را به‌عنوان برخوردی مذهبی ثبت کرده است، در حالی که از عامل دین به‌عنوان عاملی بازدارنده و ثبات‌بخش در مرزهای ایران و عثمانی (و جمهوری ترکیه) در طول بیش از سه قرن اخیر، کمتر صحبتی به میان آمده است. آنچه به‌عنوان نقش دین در رابطه ترکیه و ایران مطرح می‌شود، این مهم است که هر زمان دولت‌های اسلام‌گرا در ترکیه به

قدرت رسیده‌اند رابطه خود را با ایران بهبود بخشیده‌اند و هر زمان که دولت‌های کمالیست بر سر کار بوده‌اند با نادیده گرفتن دین در روابط، بر سایر عوامل تاکید نموده‌اند. به طور کلی، دین اسلام می‌تواند همواره در ایجاد، حفظ و تداوم روابط دو کشور نقش داشته باشد، اما این تمام ماجرا نخواهد بود و تلقی و قرائتی که از دین می‌شود، به‌ویژه در سال‌های اخیر، می‌تواند روابط دو کشور را تحت‌الشعاع قرار دهد. در حقیقت از اولین روزهای شکل‌گیری جمهوری اسلامی در ایران، مقامات ترک نگاه مثبتی بدان نداشته‌اند. به باور تعدادی از تحلیلگران، ماهیت ویژه مذهبی حکومت ایران امکان به تفاهم رسیدن با نظام دموکراتیک و سکولار ترکیه را تقلیل می‌دهد.^۵

به‌عبارتی دیگر، یکی از عواملی که می‌تواند روابط میان ایران و ترکیه را به‌سردی پیش ببرد، نوع پنداشتی است که از دین در ساختار سیاسی ایران^(۱) و ترکیه^(۲) وجود دارد. سابقه تاریخی روابط ایران و ترکیه (عثمانی) به وضوح نمایانگر آن است. گذشته از آن، این مهم به وضوح طی دهه‌های اخیر به اثبات رسیده است؛ بدین معنا که هر زمان ویژگی‌های سکولاریستی و گام‌های عملی در جهت آن در ترکیه پررنگ‌تر بوده، به کاستی روابط با ایران که پنداشتی غیرسکولاریستی بر آن حاکم است، منتهی شده است. رابطه دین و مذهب با بسیاری از مسایل روز، سؤالات بسیاری را در این زمینه موجب شده است. مذهب در ترکیه طی سالیان گذشته بیشتر نمود خصوصی و فردی یافته است. در این راستا روشنفکرانی ازجمله سعید نورسی و فتح‌الله گولن و سیاستمدارانی مانند رجب طیب اردوغان و عبدالله گل نقش برجسته‌ای داشته‌اند. فتح‌الله گولن علاقه‌ای ندارد که دولت، شریعت و قوانین اسلامی را به کار گیرد. وی بر این مساله اشاره می‌کند که بیشتر قوانین و احکام اسلام درباره زندگی شخصی انسانهاست و فقط بخش کوچکی از آنها به حکومت و کشورداری مرتبط می‌شود.^۶ حزب عدالت و توسعه نیز پس از قدرت‌گیری همواره از اسلام میانه‌رو و یا به تعبیری لیبرال حمایت کرده است، بنابراین، فردیت

۱. پنداشت غیرسکولار از دین در ایران، مبتنی بر اعتقاد به ولایت فقیه، اعتقاد به امتزاج دین و سیاست، اعتقاد به استخراج قواعد اجتماعی و اقتصادی از آموزه‌های دینی و اعتقاد به حضور نخبگان دینی بر مصادر سیاسی است.

۲. پنداشت سکولار از دین در ترکیه، اعتقاد به محدود نمودن دین در حوزه فردی و شخصی، جدایی آموزه‌های دینی از حوزه زندگی سیاسی، اعتقاد به استخراج قواعد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از آموزه‌های مدنی و اعتقاد به حضور نخبگان غیردینی بر مصادر سیاسی است.

یافتن دین در ترکیه و قرائت لیبرال از اسلام هیچ تناقضی میان مسلمان بودن و تحت لوای سیستم سیاسی سکولار بودن نمی‌بیند. لذا این موضوع مهم‌ترین چالشی است که ایران نمی‌تواند در روابط خود با ترکیه از برگ دین و اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه و دولت‌های احتمالی اسلام‌گرا در آینده استفاده نماید.

۳. مساله فلسطین و روابط ترکیه با اسرائیل

ترکیه پس از شکل‌گیری اسرائیل این رژیم را به‌عنوان کشور به رسمیت شناخت، اما با توجه به اصل مداخله نکردن در منازعات منطقه، روابط چندان مستحکم و گسترده‌ای را با این رژیم برقرار ننمود. وقوع انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، وجود عراق با زیاده‌خواهی‌های صدام، آگاهی از تغییرات جهان در پی لرزش و فروریزی دیوارهای کرم‌لین، سیاست‌های سوریه در برابر استان هاتای و حمایت از پ. ک. ک. و غیره بخشی از واقعیت‌هایی بود که ترکیه را بر آن داشت روز به روز در بیست سال گذشته به اسرائیل نزدیک‌تر شود، به گونه‌ای که وقتی روابط میان دو کشور در اواسط دهه ۱۹۹۰ به نقطه اوج خود رسیده بود، تل‌آویو و آنکارا را به این اجماع رساند تا برای کنترل سیاست‌های همسایگانش به همکاری‌های راهبردی - امنیتی بیشتری آورند.^۷ روابط ترکیه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ با توجه به برخی تحولات در نقطه اوج خود قرار داشت که این روند طی سال‌های اخیر در حال کاهش است.^۸ ترکیه هنوز در پی دستیابی به فن‌آوری نظامی اسرائیل است. رژیم اسرائیل و ترکیه در زمینه تولید تجهیزات نظامی، تبادل اطلاعات، آموزش مشترک، تبادل کارکنان نظامی جهت نظارت بر تمرینات نظامی، تولید هواپیماهای بدون خلبان، بهینه‌سازی هواپیماهای ترکیه در اسرائیل و ورود ناوگان‌های جنگی به بنادر یکدیگر همکاری نزدیکی دارند.^۹ ادامه چنین وضعیتی بی‌شک در مقابل منافع و امنیت ملی ایران قرار داشت به‌ویژه اینکه در این دوران با سر کار بودن کمالیست‌ها در قدرت، روابط ترکیه و ایران وضعیت مساعدی نداشت. ادامه این روند به معنای گسترش روابط با اسرائیل و تقلیل روابط با ایران که می‌تواند نامناسب‌ترین وضعیت در نقش اسرائیل در روابط ایران و ترکیه باشد. (شکل ۱)

از نگاه ترکیه، حفظ موازنه دقیق در برخورد با مساله فلسطین و اسرائیل از بنیادی‌ترین اصول

دستگاه سیاست خارجی این کشور است که حزب عدالت و توسعه با زیرکی این سیاست را جامه عمل می‌پوشاند. میانجی‌گری ترکیه در این زمینه نیز به نظر می‌رسد که از جنس سنت دیپلماسی ترک است؛ یعنی ظرفیت‌های حل و فصل‌های خود در جهان اسلام را به غرب نمایانده و از این طریق غرب را به معامله با خود کشانده‌اند،^{۱۰} و از این لحاظ میانجی‌گری متاع ارزشمندی برای چانه‌زنی و معامله برای پیشبرد هرچه بهتر اهداف سیاست خارجی این کشور به حساب می‌آید.

رویکردهای انتقادی مقامات حزب عدالت و توسعه به اسرائیل نیز اصلی مهم در سیاست خارجی این حزب به حساب می‌آید. اقدامات متعدد انتقادی رهبران فعلی ترکیه با حمایت داخلی چشم‌گیری نیز مواجه گردیده است. یکی از آخرین نقاط عطف در روابط ترکیه و اسرائیل موضوع حمله نیروهای نظامی رژیم اشغال‌گر قدس به کشتی‌های کاروان آزادی بود که پس از اعلام کشته شدن نه نفر از اتباع ترکیه در جریان این حمله، با واکنش شدید مقامات ترک همراه شد. ادامه اتخاذ چنین رویکردهای انتقادی به اسرائیل سبب کاهش سطح روابط سیاسی و راهبردی دوجانبه می‌گردد. این امر می‌تواند در نهایت به این امر منتهی گردد که راکد ماندن روابط بدین شکل و در فضای تنش‌آلود کنونی باعث کهنه شدن اختلافات شده و با گذشت زمان روابط دو طرف را متاثر خواهد ساخت. ولی نکته قابل تأمل و کلیدی آن است که روابط اقتصادی ترکیه و اسرائیل هیچ همبستگی معناداری با روابط سیاسی - دیپلماتیک ندارد. به عبارتی، حتی زمانی که انتقادات تند سران حزب عدالت و توسعه لبه تیزش را متوجه اسرائیل می‌کرد، روابط اقتصادی دو طرف در سطح بالا و با رشد چشم‌گیر مواجه بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد عامل اقتصادی، روابط سیاسی - دیپلماتیک دو طرف را در حال و آینده تحت‌الشعاع قرار دهد و سران ترکیه منافع اقتصادی این کشور را فدای مصلحت‌های سیاسی ننمایند.

در روابط ترکیه با حماس نیز نکات ظریفی نهفته است. در حالی دولت اردوغان با حماس ارتباط برقرار می‌کند که معتقد است حماس می‌تواند حضور مؤثرتر ترکیه در نوار غزه را تقویت کند، این در حالی است که ترک‌ها معتقدند مذاکرات میان فلسطین و اسرائیل و صلح میان آنها به حماس به‌عنوان بازیگری مشروع معنا می‌بخشد.^{۱۱} نخبگان سیاسی ترکیه و در رأس آنها احمد داود اوغلو به دنبال متقاعد کردن حماس برای بازگشت به آتش بس در قبال شکستن محاصره

غزه از سوی اسرائیل هستند. بدین منظور وی دو بار خالد مشعل را در سوریه ملاقات نمود. در واقع، ترکیه یک فرآیند میانجی‌گری میان حماس و دیگر بازیگران بین‌المللی را آغاز کرده است، در حالی که تماس منظم خود با تشکیلات خودگردان فلسطین و رییس آن، محمود عباس، را نیز حفظ کرده است.^{۱۲}

با درک سیاست‌های ترکیه در قبال اسرائیل، باید این نتیجه را گرفت که مقامات ترک به هیچ عنوان حاضر نیستند روابط اقتصادی و راهبردی خود با اسرائیل را از دست دهند. از نظر طیف‌های سیاسی گوناگون ترکیه، اسرائیل می‌تواند آنها را در رسیدن به مطامع اقتصادی خود یاری رساند و از نظر حزب عدالت و توسعه به طور خاص، روابط با اسرائیل باید طوری ترتیب داده شود که حساسیت ملت‌های منطقه برانگیخته نشود و برای رسیدن به این مهم اگر لازم باشد هرچند وقت یکبار، «جنگ زرگری» ترتیب داده شود. این نوع رابطه ترکیه با اسرائیل، وضعیت نامطمئنی را برای ایران در روابط خود با ترکیه به وجود می‌آورد. (شکل ۲)

از نظر بشیر عبدالفتاح، به طور کلی در چشم‌انداز نزدیکی روابط ترکیه و اسرائیل چهار سناریو وجود دارد:

۱. اگر اسرائیل گامی جدی در راستای از سرگیری مذاکرات صلح با فلسطین بردارد، در این صورت یکی از دلایل اصلی خشم مردمی که عامل دوری از اسرائیل در ترکیه است، برداشته می‌شود؛

۲. احیای مذاکرات بین سوریه و اسرائیل با میانجی‌گری ترکیه به نزدیکی اسرائیل به ترکیه کمک می‌کند؛

۳. موفقیت ایران در دستیابی به سلاح هسته‌ای، باعث نزدیکی ترکیه به اسرائیل تحت حمایت آمریکا می‌شود؛ و

۴. باز شدن درهای اروپا به روی ترکیه برای دستیابی این کشور به رؤیای دیرینه خود.^{۱۳}

این در حالی است که مواضع ایران وضعیت روشنی را در برابر اسرائیل ترسیم می‌کند. مخالفت و ضدیت با اسرائیل در محور سیاست‌های تمامی دولت‌های ایران پس از انقلاب، به‌ویژه دولت احمدی‌نژاد، بوده است. بر اساس اظهارات محمود احمدی‌نژاد، اسرائیل ستیزی حتی

نسبت به غرب‌ستیزی در اولویت اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار دارد؛ چرا که او با آمریکا حاضر به مذاکره و معامله هست، ولی بر نابودی و محو اسرائیل از نقشه جغرافیا تاکید می‌ورزد.^{۱۴} چنین سیاستی در مقابل اسرائیل از زمان شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران همواره وجود داشته است و ایران به‌طور طبیعی با کشورهایی که مدافع حقوق فلسطینی‌ها و ضداسرائیل هستند، روابط حسنه‌ای خواهد داشت. این مساله در روابط با ترکیه نیز صدق خواهد کرد. انتقادات صریح اردوغان بسیار مورد توجه مقامات ایران قرار گرفت و امید مضاعفی برای مقابله ترک‌ها با رژیم صهیونیستی و دفاع از حقوق فلسطینی‌ها ایجاد نمود. قطع روابط ترکیه با اسرائیل و داشتن روابط حسنه با ایران، بهترین حالت از ترسیم نقش اسرائیل در روابط ایران و ترکیه خواهد بود. (شکل ۳)

۴. استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه

ترکیه اعلام نموده با استقرار آن بخش از سپر دفاع موشکی که مربوط به بحث‌های راداری در خاک ترکیه است، موافق است و آن را اجرا خواهد کرد. این امر موجب می‌شود دولت اردوغان در پاسخگویی به انتظارات داخلی و هماهنگی با غرب، با رنجش خاطر و ایجاد کدورت در روابطش با همسایه با اهمیتی چون ایران مواجه گردد. رابطه با ایران هرچند راهبردی و درازمدت است و هر دو طرف نیز بر اهمیت تداوم آن واقفند، شاید بتوان ماه‌های اخیر را به دلیل مواضع ترکیه در قبال حوادث سوریه و موافقت این کشور با استقرار سپر دفاع موشکی در قالب سیاست‌های پیمان ناتو، بدترین دوره در ارتباطات دو کشور نامید. ترک‌ها اعلام کرده‌اند که «دلیلی ندارد ایران از استقرار این سامانه در خاک ترکیه احساس نگرانی کند. این سامانه اصولاً یک سیستم راداری هشداردهنده و کاملاً دفاعی است.» در واقع، ترکیه سعی دارد ایران را متقاعد سازد که سامانه دفاع موشکی ناتو جنبه دفاعی دارد و تهدیدی علیه منافع ایران نیست، اما نه تنها مقامات ایران بلکه بسیاری از مقامات غربی سامانه مذکور را عاملی برای افزایش فشار بر ایران می‌دانند. کیسینجر در مصاحبه‌اش با روزنامه حریت ترکیه گفته است: «استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در ترکیه، ایران را وادار به پذیرش نظرات غرب در موضوع هسته‌ای می‌کند.»^{۱۵} ایران معتقد

است: «این سامانه موجبات نگرانی جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از کشورهای هم‌جوار را به‌وجود آورده است. ایران ایجاد چنین سامانه‌ای را در شرایط فعلی که منطقه شاهد تحولات است، ضروری نمی‌بیند و معتقد است ترکیه باید برای این موضوع توجیه لازم را داشته باشد.»^{۱۶} رامین مهمان‌پرست، سخنگوی دستگاه دیپلماسی ایران، معتقد است: «ایران در راستای سیاست اصولی تاکید بر خلع سلاح و اجتناب از رویکردهای نظامی، هرگونه اقدامی که منجر به نظامی شدن فضای بین‌المللی و در نتیجه ایجاد رقابت‌های تسلیحاتی در سطح جهان و منطقه شود را به زیان جامعه جهانی و امنیت بین‌المللی می‌داند و آن را تقبیح می‌کند... بر همین اساس از کشورهای دوست و همسایه خود انتظار داریم هوشیاری بیشتری به خرج داده و با درنظر گرفتن مصالح امنیتی منطقه، زمینه‌ساز پیشبرد چنین سیاست‌های تنش‌آفرینی که قطعاً پیامدهای پیچیده‌ای در بر خواهد داشت، نباشند.»^{۱۷}

به هر ترتیب استقرار سپر دفاعی موشکی در خاک ترکیه تاثیر مستقیمی بر امنیت و منافع ایران دارد، (شکل ۴) ضمن اینکه روابط دو کشور ایران و ترکیه را بسیار تحت تاثیر خواهد داد.

۵ برنامه هسته‌ای ایران و تبلیغات غرب

در سند راهبرد امنیت ملی ترکیه در سال ۲۰۱۰، در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران بحث حمایت از مذاکرات مربوط به حل دیپلماتیک این مساله مطرح است. ترکیه بر اساس نگرش نوین سیاست خارجی خود، تمایل دارد بازیگری باشد که توان حل و فصل مسایل را داشته و نقشی کلیدی را عهده‌دار شود؛ هرچند این نقش هنوز به ترکیه واگذار نشده، اما میانجی‌گری میان ایران و غرب برای ترکیه در راستای سیاست خارجی فعال طراحی شده از سوی اردوغان و داود اوغلو است.^{۱۸} ترکیه با میانجی‌گری در پرونده هسته‌ای ایران اهداف گوناگونی را دنبال می‌کند که در مجموع به دنبال افزایش وزن خود به‌عنوان یک بازیگر فرامنطقه‌ای است که می‌تواند در مسایل و بحران‌های بین‌المللی نقش ایفا کند. حضور ترکیه در کنار برزیل در ایران در این چارچوب قابل ارزیابی است. در مقابل، بعضی از نخبگان ترکیه حضور رهبران این کشور در نشست تهران و امضای موافقت‌نامه را به‌عنوان یک رسوایی برای این کشور ارزیابی کردند؛ به طوری که یکی از

دیپلمات‌های سطح بالای ترکیه در ملاقاتی در واشنگتن، آن موافقت‌نامه را «لحظه شرم‌آور» برای آنکارا دانست که باعث آسیب دیدن تصویر ترکیه می‌شود.^{۱۹}

حمایت ترکیه از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران در شرایط حاضر تاثیر مثبتی بر روابط دو کشور دارد. گسترش روابط ایران و ترکیه در عرصه‌های مختلف در سال‌های اخیر و تبادل هیات‌ها و دیدارهای مقامات عالی‌رتبه، زمینه‌های ایفای این نقش را برای ترکیه در موضوع هسته‌ای در نزد ایران فراهم کرده است. در کنار این موضوع، دیدگاه مثبت مقامات و بخشی از افکار عمومی مردم ایران نسبت به دولت فعلی در ترکیه نیز در ایجاد این فضا بسیار مؤثر بوده است، با این حال، واقعیت غیرقابل کتمان آن است که نظامیان و حتی تعدادی از سیاسیون ترکیه، ایران هسته‌ای را تهدیدی علیه امنیت و منافع این کشور می‌دانند. برای همین هم بسیاری در درون ترکیه معتقدند دولت اردوغان نیز مانند جامعه بین‌المللی نباید تنها بر مسیر حل دیپلماتیک هسته‌ای ایران اصرار کند، بلکه باید از «مسیر دوگانه» یعنی مسیر دیپلماتیک در کنار مسیر تحریم‌ها و فشار علیه ایران حمایت کند.^{۲۰} به‌طور کلی باید اذعان داشت که در صورت هرگونه تحول در ساختار سیاسی ترکیه امکان تغییر موضع این کشور در خصوص پرونده هسته‌ای ایران وجود دارد که روابط دو کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

۶ سیاست خارجی چندوجهی ترکیه

احمد داود اوغلو در کتاب خود با عنوان عمق/ستر/تژیک ضمن اشاره به موقعیت جغرافیایی فرهنگی منطقه، تاکید می‌کند ترکیه به‌عنوان تنها کشوری که دارای تجربه‌های تاریخی است، باید ابتکار عمل را در دست بگیرد. وی این اقدام را هم برای آینده منطقه و هم به جهت حفظ تمامیت ارضی ترکیه حایز اهمیت می‌داند. وی معتقد است ترکیه به دلیل اینکه در میان تعدادی از حوزه‌های ژئوپلیتیک مانند خاورمیانه، جهان اسلام، غرب و آسیای مرکزی قرار دارد، تنها در صورتی می‌تواند به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظهور کند که با همه حوزه‌ها و همه همسایگان روابط خوبی داشته باشد.^{۲۱} شاید در نگاه نخست یکی از مهم‌ترین مواردی که در سیاست خارجی ترکیه به نفع ایران خواهد بود، سیاست خارجی چندوجهی ترکیه است، ولی به باور نگارندگان،

این امتیاز در کوتاه مدت به نفع ایران خواهد بود و در بلندمدت می‌تواند سبب ساز تنش‌ها و اختلافاتی بین دو کشور گردد. واقعیت آن است زمانی که در دوران نظام دوقطبی جمهوری ترکیه ذیل اردوگاه غرب تعریف می‌شد، این کشور روابط مستحکمی را با غرب پی‌ریزی نمود که هم‌چنان ادامه دارد. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، نیازهای نامحدود سران حزب برای پیش بردن و توسعه ترکیه به جلو، آنها را متقاعد کرد که با حفظ کارت غرب باید کارتهای جدیدی در سایر مناطق دنیا به دست آورند. این دلیل بود که ترک‌ها را به پی‌ریزی سیاست در شرق دور نیز متمایل ساخت. شاید ترکیه با سیاست خارجی تک‌بعدی غرب‌محور، کم‌خطرترین برای ایران محسوب می‌شد؛ زیرا ترکیه خواه ناخواه روابط مستحکم سیاسی - راهبردی و نظامی - امنیتی را با غرب طی سالیان ایجاد نموده و برای دولتمردان ایران مشخص‌تر بود که ترکیه میل به چه نوع سیاست خارجی‌ای دارد. از دیدگاهی واقع‌گرایانه ترکیه کنونی به نظر معضلی برای سیاست خارجی ایران در آینده خواهد بود؛ زیرا در دیدگاه واقع‌گرایانه منافع و سود در نظام بین‌الملل عدد ثابتی است و کسب سود بیشتر برای یک واحد سیاسی به‌معنای از دست دادن همان میزان سود برای سایر واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل است. این مساله به‌ویژه در خصوص ایران و ترکیه در مناطق مختلف جهان تحقق یافته است. (شکل‌های ۵ و ۶)

دولت ترکیه همواره اهداف غربی خود را در قیاس با اهداف خود در حوزه جهان اسلام و خاورمیانه جدی‌تر و اساسی‌تر می‌پنداشته و نیز با توجه به اینکه این دولت در جهان اسلام، حداقل آن‌گونه که تاکنون بوده، اهداف اقتصادی و نزدیک و در جهان غرب اهداف اساسی و دور را پی می‌گرفته، به سهولت قابل تصور است که این بار نیز دولت اسلام‌گرای ترک می‌کوشد همچون گذشته، مزایایی از جهان اسلام به دست آورد و آن را خرج اهدافی کند که از دیرباز در ارتباطات خود با غرب می‌جسته است؛ نیل به روابط برابر با آمریکا (گرایش بسیار دیرینه در روابط دوجانبه ترکیه با آمریکا)، استفاده از مزایای متعدد دوستی با دولت اسرائیل و پیوند راهبردی و هویتی با اروپای غربی^{۲۲} و ایجاد کاتالیزور از طریق افزایش وزن خود در مناسبات منطقه‌ای برای پیوستن به اتحادیه اروپا. بنابراین ترکیه در سال‌های اخیر درصدد برآمده است در تحولات خاورمیانه نقش فعال‌تری ایفا کند و حتی ترک‌ها سال ۲۰۰۷ را در سیاست خارجی خود، «سال

خاورمیانه» نام نهاده بودند. در واقع پس از حوادث قبرس و تحریم غرب علیه ترکیه، آنکارا در سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود تجدیدنظر نموده و توجه بیشتری به کشورهای عرب و منطقه خاورمیانه نمود. از طرفی باید اذعان نمود که نزدیکی کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای عربی به ترکیه نیز در سیاست‌های منطقه‌ای این کشور مؤثر بوده است. استیون کینزر در کتاب خود با عنوان *از سرگیری روابط: ایران، ترکیه و آینده آمریکا* معتقد است: «در سال ۲۰۰۲ هنگامی که «حزب عدالت و توسعه» به قدرت رسید، با یک تصمیم سرنوشت‌ساز روبه‌رو شد: آیا ترکیه بایستی به نیروهای آمریکا اجازه استفاده از خاک کشورش را جهت حمله به عراق می‌داد یا خیر؟ در حالی که دولت ترکیه بر سر این مساله تردید داشت، پارلمان ترکیه که اکثریت آن را «حزب عدالت و توسعه» تشکیل می‌داد، به آمریکا پاسخ منفی داد. نتایج این پاسخ منفی به سرعت بر ترکیه آشکار گشت و بعد از خشم و نفرت جامعه جهانی از حمله آمریکا و متحدانش به عراق، و نتایج فاجعه بار آن، ترکیه از سوی جامعه جهانی به دلیل عدم مشارکت در این جنگ مورد حمایت قرار گرفت. این امر موجب محبوبیت ترکیه نزد کشورهای عربی و آسیای مرکزی گشت و دروازه‌های آن کشورها برای تبادلات اقتصادی به روی ترکیه گشوده شد.»^{۲۳}

علاوه بر این، مقامات ترکیه هر از چندگاهی توجه مردم و افکار عمومی را به دوره عثمانی معطوف می‌سازند و از شکوفایی و اقتدار تاریخی ترکیه در آن دوره سخن می‌گویند. این‌گونه اظهارات در میان ناظران سیاسی، گمانه تمایل ترکیه برای ایفای نقش رهبری جهان اسلام را تقویت می‌کند. نباید از نظر دور داشت که این کشور از ظرفیت‌هایی جهت ایفای چنین نقشی برخوردار است؛ زیرا دارای سابقه تمدنی چندصد ساله است که دایره شمول آن بیشتر کشورهای خاورمیانه، اروپا و شمال آفریقا را در بر می‌گیرد. ترک‌ها همواره دوران عثمانی را از افتخارات خود دانسته و خود را پرچمدار اسلام در طول قرن‌های متمادی می‌دانند.^{۲۴} از طرفی، ایران رفتارهای متناقض سران ترک را سخت بتواند تحلیل کند؛ دولتمردان ایران روزی باید شاهد انتقاد تند اردوغان از پسر باشند در حالی که ببینند روابط اقتصادی ترکیه و اسرائیل در سطح بالایی قرار دارد؛ دولتمردان ایران روزی خوشحال از روابط گرم ترکیه و سوریه هستند و پیش از پایان یافتن این خوشحالی باید شاهد همراهی ترکیه با مخالفان اسد و انتقاد تند سران ترکیه از اسد باشند؛

روزی مسرور از انتقادات دولتمردان ترک به سیاست‌های یکجانبه آمریکا و حمایت این کشور از اسرائیل و روزی مطلع از توافق ترکیه و آمریکا بر سر مساله استقرار سپر دفاع موشکی در خاک ترکیه؛ روزی دولتمردان ایران شادمان از شعارهای اسلام‌گرایانه حزب عدالت و توسعه و دیگر روز ناخرسند از پیوستن ترکیه به نیروهای ناتو برای حمله به لیبی و غیره. واقعیت تلخ این است که هیچ کشوری نمی‌تواند تحلیلی ثابت، بی‌نقص و مدلی در برابر چنین تناقضاتی ارایه دهد.

به طور کلی به نظر نگارندگان، سیاست خارجی چند وجهی ترکیه در چند نقطه (عراق، شورای همکاری خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز) بیشتر از سایر نقاط با منافع ایران تداخل پیدا می‌کند. در ذیل به بررسی سیاست‌های ترکیه در این نقاط و تداخل آن با منافع ملی ایران می‌پردازیم.

عراق: آینده عراق با چشم‌انداز خروج نیروهای آمریکایی از این کشور نیز چالشی در روابط ایران و ترکیه به‌شمار می‌رود. با وجود اینکه هیچ‌یک از این کشورها منافعی در آینده بی‌ثبات عراق ندارند، هریک تمایل دارند آینده عراق هماهنگ با چارچوبی باشد که مد نظر آنهاست. درحالی که ایران یک کشور با حکومت شیعه و بدون وابستگی به غرب را ترجیح می‌دهد، ترکیه به‌دنبال دولتی ائتلافی در عراق است که در آن نمایندگان سنی مذهب نیز حضور داشته باشند. در حقیقت روابط ترکیه و عراق تحت تاثیر مؤلفه‌هایی همچون چشم‌داشت ترکیه به شمال و استان‌های نفت‌خیز عراق، اختلاف بر سر آب رودخانه‌های دجله و فرات و مساله کردهاست. امروز در ترکیه حزب عدالت و توسعه در ضمن افزایش همکاری‌های خود با کشورهای غربی، از فرصت به دست آمده بعد از حذف رژیم بعثی در عراق نهایت استفاده را نموده و پایه‌های نفوذ خود را در این کشور مستحکم می‌نماید. عراق برخلاف سایر کشورهای منطقه خاورمیانه، از نظر اکثر احزاب اپوزیسیون ترکیه جایگاه ویژه‌ای دارد؛ برای نمونه حزب جمهوری‌خواه خلق در مسایل خاورمیانه اولویت اول را به عراق قرار می‌دهد و در ارتباط با عراق؛ تروریسم، مسایل شمال عراق، کرکوک و دفاع از حقوق ترکمن‌های عراق در کانون توجه این حزب قرار دارد.^{۲۵}

با توجه به تحولات عراق پس از حمله آمریکا و هم‌زمان با رشد و گسترش همکاری‌های اقتصادی ترکیه و ایران، هر دو در بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در عراق، با یکدیگر رقابت

می‌کنند. تا همین چند سال پیش، نفوذ اقتصادی ترکیه پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳، تنها به شمال عراق ختم می‌شد؛ ۵۵ درصد از شرکت‌های خارجی در کردستان عراق، ترکیه‌ای بودند، اما پس از آن به تدریج این نفوذ رو به گسترش نهاد. در سال ۲۰۱۰، شرکت ملی نفت و گاز ترکیه موفق به انعقاد قراردادی کلان شد و گسترش منابع گازی سیبا در جنوب عراق را در دست گرفت (یکی از مناطق کلیدی تحت نفوذ ایران). در اکتبر سال ۲۰۱۰، نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق، هم به ترکیه و هم به ایران سفر کرد و بنابر گزارش‌ها معاهدات و قراردادهای کلانی را برای سرمایه‌گذاری در کشورش پیشنهاد کرد تا از این طریق حمایت این دو را برای تلاش‌های خود به منظور تشکیل حکومت جدید در عراق جلب کند.

سیاست ترکیه در عراق، که شامل روابط گسترده با کردهای شمال عراق و حمایت‌های سیاسی بسیار از حکومت عراق می‌شود، به منظور ایجاد ثبات لازم برای انجام تجارت مطلوب، به‌خوبی از یک رویکرد تجارت محور خبر می‌دهد. این رویکرد نیز نگرانی‌ها را در مورد به وجود آمدن «اتحاد محور» میان ترکیه و ایران، منتفی می‌سازد. «الیوت هن توو» در کنفرانسی که در مورد ایران برگزار شد، اذعان داشت: «ترکیه خواهان آن است که خاورمیانه را به لحاظ اقتصادی به استانبول وابسته سازد، اما ایران چنین رویکردی ندارد.»^{۲۶} به طور کلی به باور بسیاری از پژوهشگران، آینده عراق پس از خروج نیروهای آمریکایی، می‌تواند در روابط ایران و ترکیه تاثیرگذار باشد. در حالی که ایران از وجود یک دولت شیعی در عراق و قطع حضور غرب در این کشور حمایت می‌کند، ترکیه به دنبال نقش‌پذیری بیشتر در این کشور با حکومتی با توان و جایگاهی مناسب برای سنی‌ها می‌باشد.^{۲۷} به این ترتیب مساله عراق در روابط ایران و ترکیه، مسئله تاثیرگذار و تاثیرپذیری است. اقتصاد پویای ترکیه زمینه را برای تاثیرگذاری ترکیه در این کشور فراهم کرده است، در حالی که ایران بیشتر از نفوذ سیاسی خود استفاده می‌کند. گویا وضعیت حاضر به سمتی پیش می‌رود که در آن ترکیه میزان تاثیرگذاری بیشتری بر تحولات

عراق پیدا می‌کند و ایران نیز تاثیرگذاری فعلی خود را حفظ خواهد کرد. (شکل ۷)

۲-۶ کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

ترک‌ها و عرب‌ها پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی با خصومت متقابل به یکدیگر نگاه می‌کردند، علاوه بر این جغرافیای ترکیه نقش مهمی در افزایش مشکلات میان همسایگان عربش در شرق و جنوب دارد. در دوران پس از سقوط شوروی، اهمیت راهبردی خاورمیانه به‌خاطر بی‌ثباتی منطقه‌ای، در دنیا بیشتر شده و ترکیه مجبور شده است همسایگان عربش را با روشی بیشتر از بی‌اعتنایی دفاعی بنگرد. این سیاست آنکارا در حالی مطرح می‌گردد که ترکیه جدایی مستمر میان مجموعه کشورهای عربی که از نظر ترکیه وضع موجود اعراب وضعیت قابل قبولی است، به‌عنوان یکی از اصول سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه محسوب می‌گردد.

برخی صاحب‌نظران استدلال می‌کنند که ترکیه می‌تواند به نهادها و ساخت‌های منطقه‌ای توسعه دولت‌های کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و همچنین در ایجاد سازوکارهای نهادی برای حل بحران‌های بالقوه و کاهش معضل امنیتی در خلیج فارس کمک کند. این موضوع می‌تواند به ترکیه نیز که دارای اقتصاد قوی و منافع سیاسی با همه طرف‌های مربوط به امنیت خلیج فارس است، کمک کند.^{۲۸} بر این اساس ترکیه یک خیز جدی برای نزدیکی به عربستان و اعضای شورای همکاری خلیج فارس برداشته و سیاست حزب عدالت و توسعه در این زمینه مبتنی بر اصل اتخاذ سیاست منطقه‌ای پویا و پیشگیرانه است. بنابراین، در کنار تحولات اخیر باید به روابط ویژه ترکیه با کشورهای حوزه خلیج فارس در سال‌های اخیر اشاره کرد. ممکن است یکی دیگر از منبع‌های اصطکاک بین ایران و ترکیه، تلاش‌های آنکارا نسبت به روابط نزدیک‌تر با اعراب کشورهای خلیج فارس باشد. این کشورها از ترس ایران با قابلیت‌های هسته‌ای به ترکیه نزدیک‌تر می‌شوند. به این ترتیب از نظر این کشورها، همکاری راهبردی در حال رشد بین ترکیه و آنها ممکن است به ایجاد توازن میان قدرت ایران و قدرت آنان در خلیج فارس کمک کند. در راستای این تلاش‌ها، وضعیت ترکیه در خلیج فارس به طور رسمی در سال ۲۰۰۸ بر اساس یک یادداشت تفاهم امنیت امضا شده میان این کشور و کشورهای خلیج فارس ساخته شد. در این سند، ترکیه به‌عنوان اولین دولتی که شریک راهبردی شورای همکاری خلیج فارس می‌باشد، به رسمیت شناخته شد.^{۲۹} امروز روابط ترکیه و شورای همکاری خلیج فارس ماهیتی

دلگرم‌کننده دارد که بخشی از آن به دلیل مشکلاتی است که این کشورها در محیط فوری خود با آن روبه‌رو هستند.^{۳۰}

در سوی دیگر، بخشی از روابط ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس تحت تاثیر حضور پررنگ نظامی - امنیتی ایالات متحده در منطقه است. در واقع ایالات متحده به منظور اتمام پروژه‌های ناتمام خود در خاورمیانه، از این به بعد نیز مانند سال‌های اخیر بر یک راهبرد حضور پرهزینه و پرمخاطره مستقیم و فزاینده در خلیج فارس و به حمایت و ائتلاف با برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس متکی خواهد بود.^{۳۱} روابط ترکیه با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از آن لحاظ در بلندمدت به ضرر ایران خواهد بود که وضعیت سود و منافع را در منطقه خلیج فارس عددی ثابت در نظر بگیریم. در این حالت نزدیکی هرچه بیشتر ترکیه به کشورهای حوزه خلیج فارس، ضمن اینکه این کشور را در محیط امنیتی مستقیم ایران قرار می‌دهد، سود از دست رفته در روابط ایران و کشورهای این منطقه را نیز در پی خواهد داشت و تاثیر منفی بر امنیت ملی ایران دارد.

۳-۶ آسیای مرکزی و قفقاز

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، ترکیه از مزیت‌های ژئواکونومیک و ژئوکالچر خود و ایران از مزیت قرابت جغرافیایی برای گسترش روابط با کشورهای این منطقه استفاده کردند. این امر باعث شکل‌گیری رقابت میان دو کشور در این منطقه شد. ترکیه یکی از اولین کشورهایی بود که بلافاصله پس از اعلام استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۱ با دولت‌های جدید ترک زبان منطقه، روابط دیپلماتیک برقرار کرد و آشکارا راهبرد نفوذ فرهنگی و اقتصادی را از طریق «کمک به کشورهای برادر» دنبال و با میانجی‌گری بین دولت‌های تازه استقلال یافته و غرب، خود را به‌عنوان شریک راهبردی آمریکا در این منطقه مطرح کرده است. ترکیه به دنبال گسترش سیاست پان‌ترکیسم و ارایه الگوی حکومت سکولار خود در این منطقه بوده است. در دهه ۱۹۹۰ این برداشت در میان سیاستمداران ترک وجود داشت که برای پذیرفته شدن در اتحادیه اروپا باید ترکیه سیاست

مبتنی بر بازیگر مهم چند منطقه‌ای را در پیش گیرد و بر این اساس ترکیه به سمت خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز حرکت نمود.^{۳۲} در فوریه ۱۹۹۲ سلیمان دمیرل، نخست‌وزیر وقت ترکیه، با اطمینان اعلام کرد که با فروپاشی شوروی یک «جهان ترکی بسیار بزرگ» که از دریای آدریاتیک تا دیوار بزرگ چین امتداد دارد، ظاهر شده است،^{۳۳} اما چنین موضوعی تب سال‌های ابتدایی خود را ازدست داد. در حقیقت نداشتن توانایی لازم برای پاسخگویی به نیازهای اساسی این جمهوری‌ها موجب ناکامی ترکیه در منطقه شد.^{۳۴}

با وجود این، ایالات متحده آمریکا همواره ترکیه را مورد تشویق قرار داده است تا روابطش را با آسیای مرکزی آن هم در چارچوب مشترکات نژادی و زبان و دینی فعال کند. ترکیه در زمینه پروژه فرهنگی موسوم به «فرهنگ متقابل لهجه‌های ترکی» سرمایه‌گذاری کرد. آمریکا هم‌پیمان آتلانتیکی خود؛ ترکیه را برای برداشتن این گام تشویق و ترغیب کرد؛ زیرا می‌خواست که ترکیه قبل از اینکه جمهوری اسلامی یا اعراب یا هر نقش دیگر بتواند نقش خود را ایفا کند، ترکیه در برداشتن این گام پیش‌قدم باشد.^{۳۵}

در سوی مقابل، ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بیشتر به دنبال منافع اقتصادی بوده، با وجودی که گام‌هایی در جهت نفوذ فرهنگی نیز برداشته شده است. اهداف اقتصادی ایران به شکل دستیابی به بازارهایی برای صادرات غیرنفتی در آسیای مرکزی بیشتر دنبال شده است. به‌طور کلی در عرصه اقتصادی ایران به دنبال انجام اهداف زیر در آسیای مرکزی است:

- گسترش زیرساخت‌های آن، به‌ویژه شبکه ریلی آن؛
- به دست آوردن نفوذ سیاسی و اقتصادی در آسیای مرکزی بزرگ از طریق سازمان همکاری اقتصادی (ECO)؛

- به دست آوردن سهم از کسب و کار توسعه و صادرات نفت و گاز خزر.^{۳۶}

این تاکید بر منافع اقتصادی در آسیای مرکزی برای ایران و تاکید بیشتر ترک‌ها بر منافع اقتصادی در همین منطقه (به جای تاکید بر سیاست‌های پانترکیسم) باعث می‌گردد تا دو بازیگر در آینده رقابت اقتصادی بیشتری داشته باشند که امکان تسری آن به رقابت‌های سیاسی در این منطقه نیز وجود دارد. این موضوع از آن جهت بیشتر اهمیت می‌یابد که با توجه به حمایت‌های

آمریکا از ترکیه در این منطقه، در صورت تاثیر سایر عوامل یاد شده بر روابط ایران و ترکیه، رقابت اقتصادی در این منطقه پتانسیل تبدیل شدن به خصومت‌های راهبردی را دارد.

نتیجه‌گیری

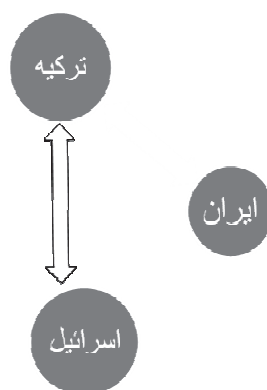
مجموعه تحولات داخلی در ایران و ترکیه بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در همین سال‌ها، سبب گردیده است روابط دو کشور از نقطه منفی (تنش در روابط) عبور کند و به سطح نقطه مثبت (اعتماد دوجانبه) ارتقا یابد. البته تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی باید طی گردد. با آغاز موج تحولات جهان عرب و با توجه به پی‌گیری منافع ناشی از تحولات توسط ایران و ترکیه، روابط دو کشور بسیار تحت تاثیر قرار گرفت. ترکیه از جمله بازیگرانی است که نقش پررنگی در تحولات اخیر منطقه ایفا می‌نماید. از یک سو، الگوی دموکراسی ترکیه (به‌ویژه مبتنی بر تجربه‌ها و موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه)، به‌عنوان الگویی موفق در تلفیق اسلام و دموکراسی در بخش قابل توجهی از افکار عمومی و نخبگان جهان عرب مطرح شده که این امر به موازات بهره‌گیری ترکیه از ابزار میانجی‌گری، به افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ترکیه کمک شایانی نموده است. این مساله ادامه فرآیندی است که پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه آغاز شده بود. بی‌شک تصویر ترکیه در جهان امروز عرب بسیار مطلوب‌تر از تصویر این کشور پس از جنگ جهانی اول است.

این موضوع در کنار حافظه تاریخی از روابط ایران و ترکیه که همواره پر از رقابت و تنش بوده است، نشان می‌دهد که دو کشور به دنبال تبدیل شدن به قدرت اول منطقه هستند که با توجه به سیاست نوع‌ثمنی‌گرایی ترکیه، امکان فاصله‌گیری میان دو بازیگر وجود دارد. بر این اساس عواملی در آینده احتمال دارد که روابط دو کشور را بسیار تحت تاثیر قرار دهد که مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: ارایه الگویی خاص اسلام، تحولات اخیر جهان عرب و به‌ویژه تحولات سوریه، مساله فلسطین و روابط ترکیه با اسرائیل، استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه، مسایل هسته‌ای ایران و تبلیغات غرب و سیاست خارجی چندوجهی ترکیه.

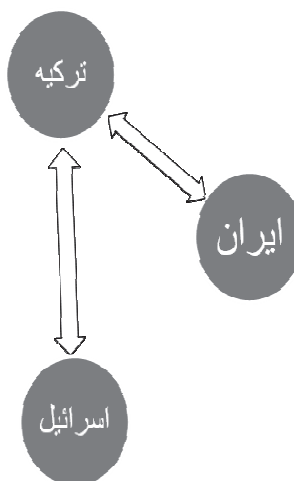
سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با در نظر گرفتن موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و

ژئواستراتژیکی‌اش در نظام بین‌الملل باید به دنبال ایفای نقش هرچه فعال‌تری در منطقه باشد. حافظه تاریخی در این رابطه به وضوح نشان می‌دهد که ایران هر زمان راهبرد منفعلانه‌ای را در پیش گرفته، سرانجام تاسف‌باری را رقم زده است. لازمه برون‌رفت از این منفعل بودن، درک صحیح و واقع‌بینانه از تحولات صورت گرفته در منطقه می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران با واکاوی و تبیین جایگاه فعلی ترکیه در منطقه، می‌تواند روابط در سطح مطلوب فعلی خود را با این کشور حفظ نموده و با جلوگیری از حساسیت بیشتر دولت‌های منطقه در خصوص مسایلی چون برنامه هسته‌ای و آرایه الگوی اسلام انقلابی و غیره زمینه‌های لازم برای ایفای نقش بیشتر در منطقه را ایجاد نماید. با توجه به محدودیت‌هایی که ساختار نظام بین‌الملل و زیرسیستم خاورمیانه بر ایران تحمیل می‌نماید، انتظار سیاست خارجی فعال‌تر (مبتنی بر جلب اعتماد بازیگران منطقه) از نخبگان سیاسی دستگاه دیپلماسی و سیاست‌گذاری ایران می‌رود؛ در حالی که ترکیه نه تنها چنین محدودیت‌هایی را پیش‌رو ندارد، بلکه با توجه به حرکت این کشور در جهت نیازها و انتظارات نظام بین‌الملل، از امتیازات حمایتی آن نیز بهره می‌برد.

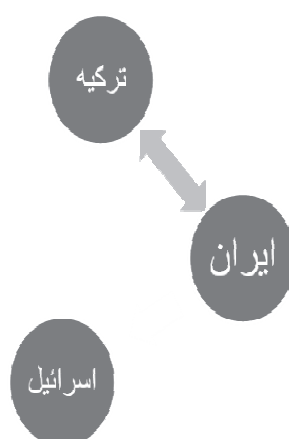
شکل ۱: وضعیت نامناسب برای ایران در نقش اسرائیل در روابط ایران و ترکیه



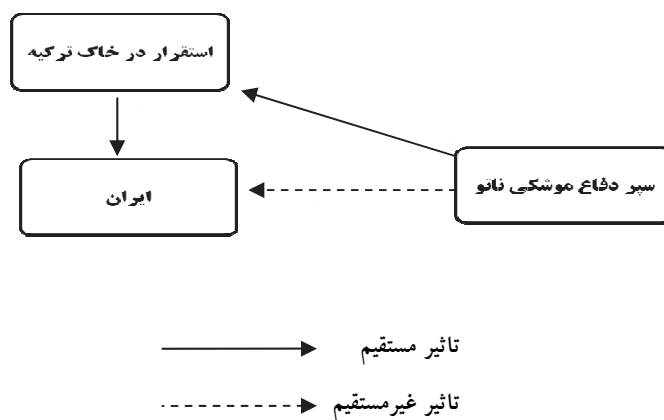
شکل ۲: وضعیت نامطمئن برای ایران در نقش اسرائیل در روابط ایران و ترکیه



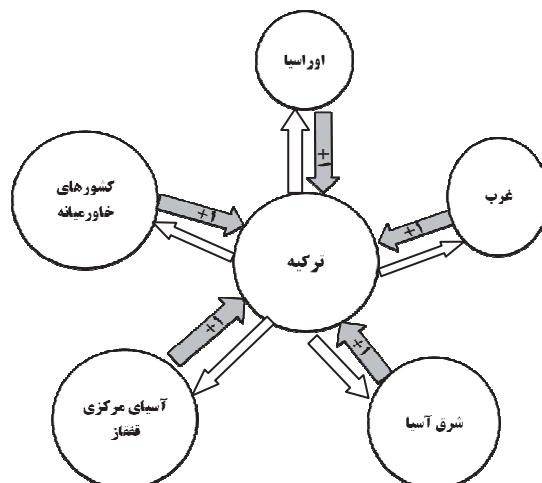
شکل ۳: وضعیت مطلوب برای ایران در نقش اسرائیل در روابط ایران و ترکیه



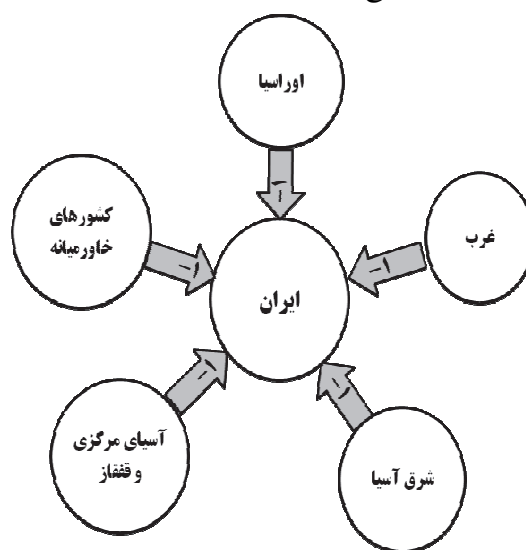
شکل ۴: تاثیر سپر دفاع موشکی ناتو بر منافع ملی ایران



شکل ۵: وضعیت منافع و سود ترکیه بر مبنای سیاست خارجی چندوجهی



شکل ۶: وضعیت منافع و سود ایران در سیاست خارجی چندوجهی



شکل ۷: تاثیرگذاری و تاثیرپذیری ایران و ترکیه از عراق



پاورقی‌ها:

۱. سهام‌الدین بورقانی، «خاورمیانه جدید و تغییر موازنه قدرت»، *روزنامه شرق*، شماره ۱۲۹۲، ۱۳۹۰، ص ۷.
2. Paul Salem, "Turkey's Image in the Arab World," 2011, p. 1, Available at: http://www.tesev.org.tr/UD_OBJS/PDF/DPT/OD/YYN/Paul_Salem_FINAL.pdf
3. Ruth Hanau Santini and Alessandri Emiliano, "Iran and Turkey after Egypt: Time for Regional Re-alignments?," *U. S. Europe Analysis*, No. 51, 2011, p. 2.
۴. محمدحسین حافظیان، «مواضع ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه؛ سازگاری‌ها و تناقض‌ها»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰، آبان ۱۳۹۰، ص ۲۱.
5. Bülent Aras and Karakaya Polat Rabia, "Turkey and the Middle East: Frontiers of the New Geographic Imagination," *Australian Journal of International Affairs*, Vol. 61, No. 4, 2007, pp. 488.
۶. بولنت ارس و عمر کاهان، «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن»، ترجمه اسدالله اطهری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۴، ۱۳۸۱، ص ۶۳.
۷. حمیدرضا ملک‌محمدی، ترکیه و اسرائیل دو ستون جدید منطقه‌ای، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵، صص ۵۷-۵۵.
8. Efraim Inbar, "Israeli-Turkish Tensions and their International Ramifications," *Orbis*, Vol. 55, No. 1, 2001, pp. 132-146.
۹. محسن مرادیان، آشنایی با ترکیه، تهران: انتشارات راشا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷.
۱۰. سیدجواد طاهایی، «مثالث صلح؛ میانجی‌گری ترکیه در گفتگوهای صلح بین اسرائیل و سوریه» در محمود واعظی و حسن نقدی‌نژاد، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸.
11. Gallia Lindenstrauss, and Guzansky Yoel, "The Rise and (Future) Fall Of A Turkish-Iranian Axis," *Foreign Policy Research Institute*, 2011, p. 2, Available at: http://www.fpri.org/enotes/201104.lindenstrauss_guzansky.turkey_iran.pdf
12. Bülent Aras and Gorener Aylin, "National Role Conceptions and Foreign Policy Orientation: The Ideational Bases of the Justice and Development Party's Foreign Policy Activism in the Middle East," *Journal of Balkans and Near East Studies*, Vol. 12, No. 1, 2010, p. 87.
۱۳. امیرمحمد حاجی یوسفی و همت ایمانی، «تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر و پیامدهای آن برای ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۰، ص ۹۷.
۱۴. علیرضا ازغندی، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷.
۱۵. به نقل از: منوچهر متکی، «لزوم شفاف‌سازی در سیاست خارجی ترکیه»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰، ۱۳۹۰، ص ۱۰.
۱۶. داوود وفاپی، «چالش‌های سیاست خارجی ترکیه؛ دوری از مدار صفر»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰، ۱۳۹۰، ص ۲۶.
17. [www.isna.ir/isna/NewsView.aspx?ID=News1842984&Lang=\(1390\)](http://www.isna.ir/isna/NewsView.aspx?ID=News1842984&Lang=(1390))
۱۸. محمد خواجویی، «بهار روابط تهران و آنکارا»، (تاریخ انتشار: ۳ اسفند ۱۳۸۹)، (تاریخ مراجعه: ۱۱ تیر ۱۳۹۰)، قابل

- <http://hamshahronline.ir/news-128891.aspx>19. دسترسی در:
- İlhan Tanir, "How the Arab Spring is Transforming Turkish American Relations," *Turkish Policy Quarterly*, Vol. 10, No. 3, 2011, p. 74.
22. Kadir Üstün, "Turkey's Iran Policy: Between Diplomacy and Sanctions," *Insight Turkey*, Vol. 12, No. 3, 2010, p. 23.
21. Ahmet Davutoğlu, *Stratejic Derinlik: Trkiye'nin Uluslararası Konumu*, basin 5, yayin: kore, Istanbul, 2001, p. 132.
۲۲. سیدجواد طاهایی، پیشین، ص ۱۰۷.
۲۳. مصطفی آکول، «بررسی کتاب از سرگیری روابط: ایران، ترکیه و آینده آمریکا»، اثر جدید «استیون کینزر»، سایت فردانیوز، (۱ دی ۱۳۸۹)، (تاریخ مراجعه: ۲ دی ۱۳۹۰)، قابل دسترسی در:
- <http://www.fardanews.com/fa/news/129750>
۲۴. ابوالحسن خلیج منفرد، «تلاش برای الگو شدن»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰، ۱۳۹۰، ص ۱۶.
۲۵. الیاس واحدی، «رویکرد احزاب بزرگ ترکیه در زمینه سیاست خارجی»، در بهزاد احمدی لفورکی، ترکیه حال و آینده، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۷، ص ۲۲۸.
26. www.farsnews.com/printable.php?nn=9003080320 (1390/03/1)
27. Gallia Lindenstrauss, and Guzansky Yoel, op.cit.
28. Birol Başkan, "Turkey-GCC Relations: Is There a Future?," *Insight Turkey*, Vol. 13, No. 1, 2011, p. 159.
29. Gallia Lindenstrauss, and Guzansky Yoel, op.cit.
30. Bülent Aras, "Turkey and Gulf Cooperation Council," *Middle East Policy*, Vol. 12, No. 4, 2005, p. 89.
31. Andrew Rathmel, Karasik Theodor and David Gompert, "A New Persian Gulf Security System," 2003, At: www.RAND.Org
32. Ertan Efeğil, "Turkish AK Party's Central Asia and Caucasus Policies: Critiques and Suggestions," *Caucasian Review of International Affairs*, Vol. 2, No. 3, 2008, pp. 166-172.
33. Gareth M. Winrow, "Turkey's Relations With The Transcaucasus and the Central Asian Republics," *Perceptions Journal of International Affairs*, Vol. III, No. 4, 1996, pp. 1-6.
34. William Odom and Robert Dujarric, *Commonwealth or Empire*, Indianapolis: Hudson Institute, 1995, p. 199.
۳۵. اسعد السعمرانی، «آسیای مرکزی: موقعیت جغرافیایی و اهمیت استراتژیکی»، ترجمه سید محسن توکل، در پروین معظمی گودرزی، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، صص ۳۲۴-۳۲۳.
36. Abbas Maleki, "Iran," in *The New Silk Roads: Transport and Trade in Greater Central Asia*, Washington, D. C. and Uppsala, Sweden: Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program, 2007, pp. 177-178.